

# جعل بزرگ یک ابررانت خوار



## معاون اول رئیس جمهور با ادبیات تکراری، دولت قبل را تهدید کرد

# جناب عارف! بگو بگو

علی مزروعی خبرنگار گروه نشر روز

می‌کند، نه تنها کمکی به تقویت اعتماد عمومی نمی‌کند، بلکه این تصور ایجاد می‌کند که حتی خود دولت نیز به نوعی از شرایط دشوار موجود، دچار سرخوردگی بوده و چشم انداز روشنی در پیش رو نمی‌بیند.

### انتظار ایجاد چشم اندازی روشن از دولت منطقی است

یکی از مهم ترین وظایف هر دولت در آغاز کار خود، ارائه چشم اندازی روشن و امیدبخش به جامعه است. دولتی که با وعده تغییر و بهبود شرایط بر سر کار می‌آید، موظف است این پیام را به مردم منتقل کند که برنامه‌ای برای عبور از بحران‌ها و بهبود وضعیت عمومی دارد. اما آنچه از اظهارات اخیر محمدرضا عارف و فاطمه مهاجرانی برمی‌آید، نه تنها چنین امیدواری را تقویت نمی‌کند، بلکه تصویری از نوعی سردرگمی و عدم برنامه‌ریزی مشخص را به نمایش می‌گذارد. عارف با بیان این جمله که «متأسفانه آگاهانه سکوت کرده‌ایم و تهدید به افزایش مشکلات گذشته، عملات نشان داد که دولت به جای ارائه راهکار، رویکردی تدافعی و تهدیدآمیز در پیش گرفته است. این موضع‌گیری نه تنها به منتقدان پاسخی نمی‌دهد، بلکه این پیام را به افکار عمومی منتقل می‌کند که دولت هنوز چشم انداز روشنی برای آینده ندارد و به نوعی گرفتار گذشته است. اگرچه شرایط دشواری بین المللی و منطقه‌ای ممکن است باعث شود عملکرد دولت با چالش‌های جدی مواجه شود، اما این واقعیت نباید بهانه‌ای برای کاهش شفافیت، پاسخگویی و تلاش برای بهبود شرایط باشد. مردم از دولت پیشگیمان انتظار دارند که ضمن تشریح مشکلات گذشته، برای آینده برنامه‌ای روشن و عملیاتی ارائه کنند. در غیر این صورت، ادامه این رویکرد تهدیدآمیز و تدافعی، نه تنها مشکلات را حل نمی‌کند، بلکه به تشدید بی‌اعتمادی میان دولت و مردم منجر خواهد شد.

### دوره بگم بگم تمام نشد؟

یکی از انتقادهای اصلی به دولت پیشگیمان، استفاده از روشی مشابه رویکردهای دولت احمدی نژاد است. در گذشته، سیاست «بگم بگم» و تهدید به افشای اطلاعات، یکی از ابزارهای رایج برای مقابله با مخالفان بود؛ ابزاری که نه تنها به تقویت اعتماد عمومی منجر نشد، بلکه فضای امنتهتیب‌گر و به کاهلی اعتبار نهادهای دولتی انجامید. حال، اعضای دولت پیشگیمان که خود از منتقدان جدی چنین رفتارهایی در گذشته بوده‌اند، با استفاده از همین روش‌ها در برابر مخالفان، این سؤال مطرح می‌کند که آیا نمی‌توانستند راهکاری بهتر و اخلاقی‌تر در پیش بگیرند؟ چرا دولتی که مدعی تغییر و بهبود است، از روش‌های مشابه استفاده می‌کند؟ این تناقض به وجهه دولت آسیب می‌زند و تأثیر منفی بر افکار عمومی دارد؛ چرا که جامعه انتظار دارد روش‌ها و سیاست‌های گذشته که نتیجه‌بخش نبوده‌اند، تکرار نشوند. این پیام به ویژه در شرایط کنونی که جامعه با مشکلات اقتصادی و فشارهای سیاسی مواجه است، می‌تواند تأثیر مخربی داشته باشد. مردم انتظار دارند دولت، حتی در مواجهه با منتقدان تند، با امانت و ارائه برنامه‌های روشن و عملیاتی به بازسازی اعتماد عمومی بپردازد. در حالی که واکنش‌های غیرحرفه‌ای و هیجانی، دقیقاً در نقطه مقابل این هدف قرار دارد.

### دولت با رجوع به گذشته خودزنی می‌کند

از سوی دیگر، سخنان فاطمه مهاجرانی که با تأکید بر مشکلات به ارث رسیده و انتقاد از منتقدان همراه بود، نشان داد این رویکرد محدود به عارف نیست و به نوعی در سطح کلان دولت وجود دارد. این در حالی است که انتظار می‌رود سخنگوی دولت

صحبت‌های اخیر محمدرضا عارف، معاون اول دولت پیشگیمان و فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در خصوص انتقادات وارد شده به عملکرد دولت، با اکتفا به تکرار ادبیات تکراری و پاسخی سیاسی و رسانه‌ای مواجه شده است. عارف با ادبیات تهدیدآمیز خطاب به منتقدان گفت: «متأسفانه آگاهانه سکوت کرده‌ایم، اگر حملات غیرمنصفانه ادامه یابد، به مردم اطلاع خواهیم داد چه تحویل گرفته‌ایم، ما را مسجور نکنید. آن‌هایی که تریبون دارند، تا سه ماه قبل کجا بودید؟ فاطمه مهاجرانی نیز روز گذشته با ادامه این موضع‌گیری گفت: «دولت مکلف است معیشت مردم را تضمین کند. کسانی که امروز منتقدند، خودشان بهتر می‌دانند چه وضعی را تحویل دادند. دولت می‌تواند بدون لگت درباره آنچه تحویل گرفته صحبت کند.» این صحبت‌ها در حالی مطرح می‌شود که رئیس جمهور روز گذشته در دیدار با اعضای شورای مرکزی خانه احزاب نظری کاملاً متفاوت با معاون اولش داشت. رئیس جمهور ضمن تکرار این گزاره که «اگر اختلاف را کنار بگذاریم و به جای بهانه‌جویی‌ها دست در دست هم بدهیم، قطعاً خواهیم توانست بر همه مشکلات غلبه کنیم» تأکید کرد دولت انتقادات را با جان و دل می‌پذیرد. عارف که مواجهه‌اش با منتقدان خلاف نظر رئیس جمهور تفسیر می‌شود اگر قرار بود وضعیت تحویل گرفته شده را برای مردم تشریح کند، باید در همان ابتدای کار این اقدام را انجام می‌داد، نه اکنون پس از گذشت چهار ماه از آغاز به کار دولت. ادبیات تهدیدآمیز عارف در قبال منتقدان، تصویری از دولتی ارائه می‌دهد که به جای پذیرش ضعف‌ها و تلاش برای اصلاح آن‌ها، به دنبال فرار از پاسخگویی است. این نوع موضع‌گیری نه تنها به شفاف‌سازی کمک نمی‌کند، بلکه فضای انتقادی را منتهب‌تر کرده و موجب فاصله بیشتر میان دولت و مردم می‌شود.

### پزشکین در شرایط ملتهبی روی کار آمد، دولت فضا را ملتهب‌تر کند

دولت پیشگیمان در روز نخست فعالیت خود با شرایطی ویژه و چالش‌های متعدد مواجه بوده است که بر هر ارزیابی منصفانه‌ای از عملکرد آن سایه افکنده است. شرایط بین‌المللی و منطقه‌ای که این دولت به ارث برده است، کاملاً غیرمعمول بوده و با چالش‌هایی نظیر تنش‌های نظامی، بحران‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی همراه بوده است. از همان روزهای نخست، وقوع یک ترور در تهران نشان داد که دولت جدید با وضعیتی غیرعادی روبه‌رو خواهد بود. این ماجرا صرفاً نقطه آغاز یک دوره پرتلاطم بود؛ چرا که پس از آن چندین بار شاهد تهدیدهای وقوع جنگ مستقیم بین ایران و رژیم صهیونیستی بودیم. در چنین بستری، هر دولتی با هر سطحی از آمادگی نیز احتمالاً با دشواری‌های فراوانی مواجه می‌شود. بنابراین، ارزیابی عملکرد دولت پیشگیمان باید بر اساس این متغیرها صورت گیرد و از هرگونه قضاوت شتاب‌زده و غیرواقع‌بینانه پرهیز شود. همچنین دولت جدید هنوز در حال تثبیت جایگاه خود است و نمی‌توان در همین ابتدای امر توقع اقدام اصلاحی شگرفی در حوزه اقتصادی را داشت اما این بدان معنا نیست که دولت نباید به ارائه شفافیت، پاسخگویی و تلاش برای ایجاد امید در میان مردم اهتمام ورزد. اظهارات اخیر محمدرضا عارف، معاون اول دولت و فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت تا حد زیادی به جای ایجاد آرامش و اعتماد، به التهاب فضای انتقادی دامن زده است. اینکه عارف به جای تبیین دستاوردها یا تشریح نقشه راه دولت، با ادبیات تهدیدآمیز به منتقدان حمله

به‌عنوان صدای رسمی و نماینده دولت، به جای بازتولید فضای تقابلی، تمرکز خود را بر بیان دستاوردها، برنامه‌ها و راهکارها بگذارد. واکنش‌هایی نظیر آنچه از سوی عارف و مهاجرانی مطرح شده، به جای امیدآفرینی، این پیام را منتقل می‌کند که دولت توانایی لازم برای عبور از این وضعیت را ندارد. چنین رویکردی به نوعی خودزنی سیاسی است؛ چرا که وقتی دولت با ادبیات تدافعی و تهدیدآمیز صحبت می‌کند، این حس به مردم القا می‌شود که خود مسئولان نیز به اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های خود باور ندارند. چنین اظهاراتی، به جای اینکه به مردم اعتماد به نفس بدهد، این تصور را ایجاد می‌کند که اعضای کابینه نیز به توانایی دولت در عبور از بحران‌ها باور ندارند. در حالی که مردم انتظار دارند دولت با اعتماد به نفس و برنامه‌ای منسجم، امیدواری به آینده را تقویت کند. چنین سخنان تدافعی و تهدیدآمیزی نه تنها این هدف را محقق نمی‌کند، بلکه به تضعیف بیشتر اعتماد عمومی منجر می‌شود. دولت نباید وارد بازی تقابلی شود، بلکه باید با ایجاد شفافیت و نشان دادن توانمندی‌های خود، زمینه‌ساز برای همراهی عمومی فراهم کند. این مسیر به مراتب حرفه‌ای‌تر و اثربخش‌تر از تهدید به افشای گری یا تکرار انتقاد از گذشته است. به ویژه زمانی که دولت هنوز در ابتدای کار خود است و نیاز به تقویت جایگاه خود در افکار عمومی دارد. آنچه از دولت پیشگیمان انتظار می‌رود، فراتر از پاسخ دادن به منتقدان یا پرداختن به گذشته است. این دولت باید نشان دهد برنامه‌ای برای ساختن آینده دارد و می‌تواند به مردم اطمینان دهد که قادر است بر مشکلات موجود غلبه کند.

### زمان بیان کاستی‌ها همان روز اول بود نه الان

اگر دولت پیشگیمان قصد داشت درباره مشکلاتی که از دولت قبل تحویل گرفته صحبت کند، بهترین زمان برای این اقدام همان روزهای ابتدایی آغاز به کار بود. اطلاع‌رسانی صادقانه و به موقع درباره وضعیت موجود، نه تنها مردم را در جریان واقعیت‌ها قرار می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز همدلی و همراهی بیشتر آنان می‌شود. البته این اقدام باید با رعایت ملاحظات امنیتی و بدون آسیب زدن به منافع ملی انجام می‌شد. در مقابل، زمانی که دولت این شفافیت را به تأخیر می‌اندازد و پس از گذشت چند ماه، به صورت پراکنده و در قالب واکنش‌های تهدیدآمیز به انتقادات، به آن اشاره می‌کند، نه تنها کمکی به رفع ابهامات نمی‌کند، بلکه اعتماد عمومی را نیز خدشه دار می‌سازد. این رفتار، به ویژه زمانی که با نوعی لحن تدافعی و «بگم بگم» همراه باشد، این پیام را منتقل می‌کند که دولت به دنبال توجیه ناکارآمدی‌های خود است. استفاده از مشکلات گذشته به عنوان ابزاری برای سرپوش گذاشتن بر چالش‌های فعلی، پیام‌نگران‌کننده‌ای را به جامعه ارسال می‌کند. این رویکرد، بر بحران‌های گذشته متمرکز می‌شود و آینده‌دار را به فراموشی می‌برد. در شرایطی که مردم به دلیل فشارهای اقتصادی و اجتماعی به امید نیاز دارند، تأکید مکرر بر مشکلات گذشته، به جای تقویت اعتماد، نوعی حس بی‌اعتمادی و سردرگمی را در جامعه ایجاد می‌کند. دولت باید با ارائه برنامه‌های شفاف و مشخص، نشان دهد که توانایی عبور از مشکلات را دارد و برای حل چالش‌ها مصمم است. تنها در این صورت است که می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند و به بازسازی اعتماد از دست رفته بپردازد. مردم به دولتی نیاز دارند که مسئولیت‌پذیر باشد و چشم‌انداز روشنی برای آینده ترسیم کند.

